

ریشه‌ها، عوامل شکل‌گیری و عاقبت طاغوت از منظر قرآن کریم

* مسعود پورفرد^۱ / محمد باقری^۲ / علیرضا نائیج^۳

تاریخ پذیرش ۹۷/۰۳/۰۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۱/۱۹

چکیده

طاغوت، اصطلاحی دینی و قرآنی است که ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در بر می‌گیرد. طاغوت به عنوان پدیده‌ای مذموم، تحت شرایطی و در بستری خاص ظهور و بروز می‌یابد و از آنجا که در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها امکان پدیداری آن وجود داشته و تبعات منفی فردی و اجتماعی به همراه دارد، شناخت آن ضرورت دارد. قرآن به عنوان «تبیان کل شیء»، به بهترین نحو به طاغوت پرداخته و زمینه‌های شکل‌گیری، تبعات و نحوه مبارزه با آن را عرضه کرده است. تحقیق پیش رو با بهره‌گیری از روش اکتشافی به دنبال ایجاد زمینه مناسب برای درک بهتر مفهوم طاغوت و چگونگی مواجهه با آن می‌باشد. واژگان کلیدی: قرآن کریم، طغیان، ولایت الله و ولایت طاغوت.

۱. استادیار علوم سیاسی و عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه؛ poor657@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج؛ mohamadbaghery@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی؛ alireza128@gmail.com

مقدمه

طاغوت، (جمع آن طواغیت) واژه‌ای عربی، در لغت از ماده‌ی طغی-یطغی و بر وزن فعلوت است که در اصل طَغِیوت یا طَعَووت بوده که یاء یا واو آن بر غین مقلّم، و به الف بدل شده است. این لفظ به صورت مفرد و جمع و مذکر و مؤنث به کار می‌رود. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹/۱۵) غالب مستشرقین، واژه طاغوت را اصالتاً مربوط به فرهنگ یهودی فرض کرده‌اند، اما برخی از آنان اصل مسیحی را برای این واژه محتمل‌تر دانسته‌اند. (جفری، ۲۰۰۷: ۲۰۳/۱) طاغوت در دیدگاهی شاذ، واژه‌ای حبشی دانسته شده است. (سیوطی، ۱۹۸۸: ۱، ۵۲) طغی و مشتقات آن ۳۹ بار در قرآن ذکر شده است؛ واژه طاغوت ۸ مرتبه تکرار شده است (بقره/ ۲۵۶، ۲۵۷؛ نساء/ ۵۱، ۶۰، ۷۶؛ مائده/ ۶۰؛ نحل/ ۳۶؛ زمر/ ۱۷) و پرکاربردترین واژه، طغیان است که ۹ مرتبه در قرآن آمده است. (بقره/ ۱۵؛ مائده/ ۶۴، ۶۸؛ انعام/ ۱۱۰؛ اعراف/ ۱۸۶؛ یونس/ ۱۱؛ اسراء/ ۶۰؛ کهف/ ۸۰؛ نون/ ۷۵) دیگر مشتقات طغی که در قرآن ذکر شده عبارتند از طغی، طاغین، تطغوا، طاغون، یطغی، طغوا، طاغیه، اطغی و اطغیته.

در کتب لغت عرب، کلمات طغی، یطغی، یطغو و طغیان؛ تجاوز از حد، معنا شده‌اند (جوهری، ۱۹۸۷: ۶/ ۲۴۱۲) لذا طاغوت به هر چیزی که موجب تجاوز از حد شود، تعبیر شده است. بر این اساس، شیطان، بت، حاکم جبار و متکبر، پیشوایان ضلالت، هر معبودی غیر از خدا، هر مسیری که به غیر حق منتهی شود، (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۳/ ۱۲۸؛ راغب



اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۲۱؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ۸۲ / ۷)، مردمان متجاوز (قرشی، ۱۳۷۱: ۴ / ۲۲۴) و هر متبوعی که خدای تعالی، راضی به پیروی انسان از آن نیست، طاغوت خوانده شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۵ / ۹) به باور برخی از صاحب نظران، واژه‌ی طاغوت مصدری است به معنای طغیان که از باب مبالغه، در معنای اسم فاعل استعمال می‌شود که استعمال این مصدر برای انسان، در آغاز از باب مجاز بوده اما در اثر کثرت استعمال، به حد استعمال حقیقی رسیده است. (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۴ / ۴۰۲) در قرآن، واژه طغیان ملازم ظلم (نجم/ ۵۲)، تکذیب (شمس/ ۱۱)، کفر (مائده/ ۶۴، ۶۸؛ کهف/ ۸۰)، فساد (فجر/ ۱۲) و دنیاپرستی (نازعات/ ۳۸) آمده است.

طاغوت، اصطلاحی دینی و قرآنی است که در بعد سیاسی، به معنای حکومت و یا حاکم جور و قدرت ناروایی است که در مقابل حکومت الهی طغیان کرده و سلطنت و حکومت بر پا داشته است. (خمینی، ۱۳۷۹: ۸۹) در تفاسیر، طاغوت را، چه یک فرد باشد، چه یک نظام مسلط (مدرسی، ۱۴۱۹: ۲ / ۹۸) علاوه بر حکم‌کننده به حکم غیر خدا (آل سعدی، ۱۴۰۸: ۱۸۴) و پرچمدار ضلالت (حویزی، ۱۴۱۵: ۱ / ۵۰۹)، به ظالم جبار (طباطبائی،

۱۴۱۷: ۴ / ۴۰۲)، حاکم ظالم (فضل الله، ۱۴۱۹: ۷ / ۳۰۰) سلاطین جور (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۱ / ۳۸۹)، یاست‌پروبی زورگو (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۴ / ۴۳۵) و مستکبر ظالم (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۵ / ۹) اطلاق کرده‌اند. همچنین هر حکومتی که مشی اسلامی را در همه زمینه‌ها مراعات نکند و محتوای آن اسلامی نباشد حکومتی طاغوتی دانسته شده است. (خمینی، ۱۳۷۹: ۷ / ۳۱)

در قرآن کریم، کلماتی نظیر بطر (انفال/ ۴۷؛ قصص/ ۵۸) و عاتیه (حاقه/ ۶) در معنای طغیان ناشی از نعمت و همچنین طغیان در برابر دستور به کار رفته‌اند (سید قطب، ۱۴۱۲: ۳ / ۱۵۲۹؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۳۹۴؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۸ / ۶۷) که می‌توان آن‌ها را دارای شباهت با کلمه‌ی طاغوت دانست. در بعد سیاسی، کلماتی نظیر جور، جبر، بغی، عدو، استکبار و استعلا در قرآن موجودند که با طاغوت به لحاظ معنایی قرابت داشته و در واقع، نظام یا فرد طاغوتی، به یک یا چندین صفت از صفات نامبرده مبتلا می‌باشد.



جور به معنای ظلم است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱۷۶/۶) و در کتب لغت (زبیدی، ۱۴۱۴: ۶/۲۱۷) و تفاسیر (مدرسی، ۱۴۱۹: ۵۳/۱) نیز جائز را ظالم معنا کرده‌اند. ماده ج/و/ر در قرآن گرچه بصورت جائز فقط یک بار آمده (نحل/۹) اما ترکیب حاکم جائز و سلطان جائز در کتب روایی (ر.ک. کلینی، ۱۳۶۳: ۳/۵۶۸؛ طوسی، ۱۳۶۳: ۱۱۹/۴) و تفسیری (ر.ک. عسکری، ۱۴۰۹: ۵۸۶؛ طوسی، بی‌تا: ۲/۴۲۲؛ ۶/۱۵۷) استعمال شده و سلطان جائز، تجسید اوضح طغیان و طاغی دانسته شده است. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۳۸۹/۱۱)

جبر را (۱۰ مرتبه در ۹ سوره) خلاف عدل (ابن عباد، بی‌تا: ۹۷/۷) و قدر (جوهری، ۱۹۸۷: ۲/۶۰۸) معنا کرده‌اند. جبار را بخاطر تکبر و برتری خواهی‌اش جبار می‌گویند (زبیدی، تاج العروس، ۶، ۱۶۰) و به مسلط قاهری گفته می‌شود که برای کسی جز خود حقی قائل نیست و به غیر حق (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴/۱۱۳) و از روی خشم (طریحی، ۱۳۷۵: ۳/۲۳۹) می‌کشد و این از آن رو است که می‌خواهد نقیصه خود را با سرکشی و علوی که مستحق آن نیست جبران کند. (راغب، ۱۴۱۲: ۱۸۴) کلمه جبار در برخی تفاسیر ذیل آیه ۵۹ سوره هود، مترادف با طاغوت دانسته شده است. (قرشی، ۱۳۷۷: ۵/۱۱؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۷/۳۱۵)

بغی (۹۶ بار در ۴۱ سوره) را طلب تجاوز از حد (راغب، ۱۴۱۲: ۱۳۶؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۱/۱۴۴) دانسته‌اند. تعدی (الصحاح، ۱۴۱۷: ۶/۲۲۸)، عدول از حق (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴/۷۸) و اعتداء علی الحق (ابن عاشور، بی‌تا: ۲۵/۱۷۲) از دیگر معانی بغی است که با طاغوت همپوشانی دارد.

عدوان، اعتدا و تعدی مشتق از عدو (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۸/۶۲) نیز به معنای تجاوز و ستم (راغب، ۱۴۴۱۲: ۵۵۳) به کار رفته و لذا وجهی از وجوه طاغوت را دارا است.

استعلا از علا یعلوا علوا به معنای جبر و طغیان آمده است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲/۲۴۵) «علو» را گاه در مقابل خدا دانسته‌اند و گاه به این معنا که حاکم بر مردم تحت فرمان خود استعلا کند. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۴/۲۴۸). همچنین برای برتری طلبی فرعون در قرآن نیز

به کار رفته است. (قصص / ۴) استعلا و استکبار در تفسیر، بغی و طغیان از روی ظلم معنا شده است. (کاشانی، ۱۳۸۱: ۵ / ۱۳۶؛ فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۷ / ۲۶۱) استکبار نیز با طغیان مترادف دانسته شده است. (ایزوتسو، ۲۰۰۲: ۱ / ۱۴۹) استکبار را شدیدتر از کبر و به معنای خود را بالاتر از مقدار حقیقی دیدن (طریحی، ۱۳۷۵: ۳ / ۴۶۶) گفته‌اند. مستکبرین کیان خود را بر اساس ظلم و استعمار محرومان و زورگویی بر ضعفا قرار می‌دهند. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۷ / ۸۴)

۱- پیشینه

به نظر نمی‌رسد بتوان برای ظهور طاغوت تاریخ دقیقی ذکر نمود. خداوند در آیه ۶۰ سوره نساء یک اجتماع و یک امت را به دو گروه تقسیم نموده است: گروه هدایت شوندگان، و گروه گمراهان که به باور برخی مفسرین، یکی از علائم هدایت یافتگی در این آیه، عدم تبعیت از طاغوت است (حق بروسوی، بیتا: ۵ / ۳۲؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۲ / ۲۴۳؛ مراغی، بیتا: ۱۴ / ۸۱) از این منظر، از زمانی که امت شکل گرفته است طاغوت نیز ظهور و بروز یافته و لذا در تمامی امم و ملل حضور داشته و دارد. از سوی دیگر، طبق آیه ۳۶ سوره نحل، یکی از اهداف ارسال رسل در کلیه امت‌ها مبارزه با طاغوت عنوان شده است که از این آیه می‌توان وجود طاغوت حتی پیش از ظهور انبیاء را استنباط نمود. به هر روی در آیاتی از قرآن کریم و بعضی از تفاسیر، قوم‌ها و افرادی طغیان گر و طاغوتی دانسته شده‌اند. در این زمینه می‌توان به قوم حضرت نوح (نجم/۵۲؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۵۰) قوم‌های عاد (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۰ / ۳۰۷)، ثمود (الحاقه/۵؛ شمس/۱۱)، قوم حضرت شعیب یا اصحاب مدین (توبه/ ۷۰) و افرادی نظیر نمروذ (طلاقانی، ۱۳۶۲: ۲ / ۲۱۳)، فرعون (نازعات/۱۷؛ فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۰ / ۲۸۴)، قارون (ابن عاشور، بی‌تا: ۲۰ / ۱۱۶) و هامان (قرشی، ۱۳۷۷: ۸ / ۸) اشاره نمود.

یاست‌پژوهی

ریشه‌ها، عوامل شکل‌گیری و عاقبت طاغوت

۱۷۹

در عهدین واژه طاغوت موجود نیست اما در عهد قدیم، طغیان قوم اسرائیل (اعداد/ ۱۱؛ ۱۴) مورد اشاره قرار گرفته و به برخی پادشاهان که ستمکار و گنهکار بوده‌اند

پرداخته شده است. (اول پادشاهان/ ۱۵؛ ۱۶؛ ۲۲)

در کتب روایی شیعه و سنی به طاعی و طاغوت اشارات متعددی شده است. در روایات اهل سنت، کاهنان یعنی کسانی که در عصر جاهلیت داوری می‌کردند (بخاری، ۱۴۰۱: ۵ / ۱۸۰؛ ابن هشام، ۱۳۸۳: ۲ / ۳۶۸)، بت در معنای عام (نوی، ۱۴۰۷: ۱۱ / ۱۰۸)، بت منات (بخاری، ۱۴۰۱: ۲ / ۱۶۹؛ حجاج نیشابوری، ۱۴۲۳: ۴ / ۶۹) و بت قبیله دوس به نام ذوالخلصه (عاصم شیبانی، ۱۴۱۳: ۳۸) برخی از مصادیق طاغوت و طاعی دانسته شده‌اند. در منابع روایی شیعی، الفاظ طاعی و طاغوت و مشتقات آن، پرکاربردتر از منابع اهل سنت بوده و طاغوت و طاعی اغلب بر حاکمان ستمگر تطبیق داده شده است. (صفار قمی، ۱۳۶۲: ۱ / ۱۴۴-۱۴۵؛ کلینی، ۱۳۶۳: ۱ / ۲۶۱؛ ۲۶۲؛ ۳۱۹: ۴۷۷) در عصر حاضر، امام خمینی (ره) حکومت پادشاهی پهلوی و حکومت‌های دیگر نظیر امریکا را مصداق طاغوت می‌دانستند (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۳ / ۷۵).

۲- انواع طاغوت

با توجه به آیات قرآن، دو نوع طاغوت قابل تفکیک‌اند: طاغوت فردی و طاغوت جمعی یا اجتماعی. در قرآن کریم گاه سخن از فردی واحد به عنوان طاغوت است نظیر فرعون و نمرود و گاه سخن از قومی طاغوتی است که خود بر دو نوع است: قومی که بر علیه حاکم الهی، طغیان نموده نظیر قوم ثمود، و یا قومی که بر سلطه حاکم طاغوتی گردن نهاده و آن را پذیرا شده است مانند قوم عاد (هود/ ۵۹؛ شعراء/ ۱۲۳) و قوم زمان حضرت موسی (ع) که حاکمیت فرعون را پذیرفته بودند.

طاغوت همچنین به سه نوع فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تقسیم شده است. در آیات ۲۳ و ۲۴ سوره غافر آمده است که حضرت موسی (ع) با حجتی آشکار، از جانب خداوند به سوی فرعون، هامان و قارون روانه شد. در برخی تفاسیر این سه اسم، نماد سه جریان دانسته شده‌اند: فرعون نماد قدرت سیاسی، هامان نماد قدرت فرهنگی و



قارون نماد قدرت اقتصادی (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱۰ / ۲۴۰) و از آنجا که این سه شخص از حدود الهی تجاوز کرده و دچار خیانت، استکبار و ظلم بودند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۷۶) سه نوع طاغوت فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مطرح شده است (حکیمی، ۱۳۸۸: ۳ / ۲۴).

۳- ریشه‌ها و عوامل طغیان

در آیات قرآن و بیانات مفسرین، شکل‌گیری طاغوت متأثر از عوامل متفاوتی عنوان شده است. استکبار به معنای برتری جویی (طریحی، ۱۳۷۵: ۳ / ۴۶۵) و بزرگی طلبی (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵ / ۱۲۹؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۷ / ۴۳۱)، از ریشه‌های طاغوت به شمار می‌آید. استکبار را باعث تضییع حق، خار کردن و به بندگی گرفتن دیگران (خطیب، بی‌تا: ۱۰ / ۳۴۹) می‌دانند و بدترین نوع آن تکبر از قبول حق است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱ / ۱۹۴). از دیگر نتایج خود برتر بینی و استکبار، تالیه و خودخدادانی است؛ مستکبر به سبب حب سلطنت دنیوی، خود را محور امر و نهی قرار می‌دهد (دجانی، ۱۴۱۸: ۴۴) و همانند فرعون خود را خدا می‌خواند. (شعرا / ۲۹) حاکم طغیان گر، خود را بالاتر از دیگران می‌پندارد و به خود اجازه می‌دهد به مال و جان و ناموس دیگران دست درازی کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴ / ۳۷۲). شاید از همین رو است که برخی، طغیان حاکم را برخاسته از طبیعت خودبین و خوداندیش انسان دانسته‌اند (طالقانی، ۱۳۶۲: ۳ / ۹۷).

پیروی از هواهای نفسانی عاملی است که سبب تبدیل حکام به طاغوت شود (طالقانی، ۱۳۶۲: ۳ / ۴۲). قرآن (بقره / ۱۴۵؛ قصص / ۵۰) پیروی از هوی را منتج به ظلم و تجاوز به حقوق دیگران (مدرسی، ۱۴۱۹: ۹ / ۳۳۸) می‌داند و مفسران نیز بر این مبنا، صراحتاً هواپرستی را مصدر جور و ظلم دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴ / ۱۶۴) که علاوه بر ظلم به خود، ظلم به دیگران را در پی دارد (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱ / ۲۷۷). حاکم طاغوتی از روی هوی و شهوات حکم می‌کند نه منطق عقلی (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۱ / ۳۰۸) لذا به دلخواه

یاست پژوهی

ریشه‌ها، عوامل شکل‌گیری و عاقبت طاغوت



خود تحکم و زورگویی بر مردم روا می‌دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸۶/۲). تسلیم لذات و شهوات دنیوی شدن، سبب غلبه‌ی غرائز و استیلاهی طمع بر نفس و نهایتاً برتری جستن بر مردم و ظلم به ایشان می‌شود. (فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۱۴/۲۴).

قرآن کریم صراحتاً بیان می‌دارد هر گاه خداوند روزی را برای بندگانش وسعت بخشد، در زمین طغیان و ستم می‌کنند. (شوری / ۲۷) قرآن کریم همچنین در آیاتی، برگزیدن زندگی دنیوی را در کنار طغیان ذکر کرده است (نازعات / ۳۷، ۳۸) که بر این اساس، برخی مفسرین بیان کرده‌اند که یکی از لوازم طغیان، دنیاطلبی است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹۲/۲۰) قرآن در جایی دیگر، احساس استغنا و بی‌نیازی انسان را منشأ طغیان او بیان می‌کند. (علق / ۶، ۷) برخی مفسرین در ذیل آیه کلاً إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ استغنی، استغنا را تعبیر به ثروت نموده و طغیان، به سبب وجود وسعت و ثروت را جزء طبیعت آدمی دانسته‌اند؛ (طیب، ۱۳۷۸: ۵ / ۴۳۲؛ ۱۰ / ۵۶۹) اما استغنا به معنایی گسترده‌تر نیز تفسیر شده که بر این اساس، منشأ طغیان، نفس کوتاه اندیش و تربیت نیافته‌ای است که خود را به آنچه دارد بی‌نیاز می‌پندارد، حال چه مال، بت باشد و یا قدرت و یا دانشی که وهم انگیز و غرورآور باشد. (طلاق، ۱۳۶۲: ۲ / ۲۰۸) همچنین استغنا، بی‌نیاز دیدن خود از هدایت انبیاء، دین، نور، خیر، پاکی و... نیز تفسیر شده (سید ابن قطب، ۱۴۱۲: ۶ / ۳۸۲۵) است. علاوه بر این، در آیه ۴۵ سوره واقعه، یکی از دلایل استقرار اصحاب شمال در عذاب الهی، مترف بودن آنان قید شده است. در تفسیر، مترفین به کسانی تعبیر شده‌اند که نعمت، باعث طغیان آنان شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۱۲۴) بر این اساس مترف بودن انسان به معنای دل بستگی او به نعمت‌های دنیوی است، چه آن نعمت‌هایی که دارد، و چه آنهایی که در طلبش می‌باشد، چه اندک‌ش و چه بسیارش. لذا نعمت‌های الهی همه در داشتن مال خلاصه نمی‌شود و مال یکی از نعمت‌ها محسوب می‌شود. پس ممکن است فردی تهی‌دست، به واسطه وجود یکی از نعمت‌ها دچار طغیان شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۱۲۵) کثرت ثروت و مال به عنوان منشأ



طغیان از برخی روایات نیز قابل استنباط است. امام علی (ع) بیان داشته‌اند که توانگری و حصول مال، منجر به طغیان می‌شود (نهج البلاغه، حکمت ۱۰۸؛ کلینی، ۱۳۶۳: ۸/ ۲۱) و امام سجاد(ع) در سخنانی، طاغوت‌های دنیا طلب و دنیا دوست را مانند فاجعه‌ای در زندگی مؤمنین خطاب کرده‌اند (مفید، ۱۴۱۴: ۲۰۰).

از دیگر مباحثی که پیرامون عوامل شکل‌گیری طاغوت در قرآن بدان تصریح شده است ضلالت و گمراهی است. طبق بیان قرآن، مَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ؛ کسانی را که خداوند گمراه کند راهبری نداشته و در طغیان رها می‌شوند (اعراف/ ۱۸۶). البته در تفسیر آمده است که اینگونه تعبیرات درباره همه کافران و گنهکاران نیست بلکه مخصوص به گروهی است که در برابر حقایق، لجوج، متعصب و معاندند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷/ ۳۹) بی اعتقادی به معاد و جهان آخرت نیز از ضلالت‌هایی است که به طغیان می‌انجامد. با توجه به قرآن (قصص/ ۳۹)، از مناشی عمده صدور جنایات از جانب طاغوت، انکار مبدا و معاد دانسته شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶/ ۸۹). خداوند در آیاتی بیان می‌دارد که کسانی که به ما و دیدار ما در قیامت

ایمان ندارند در طغیان رها می‌شوند تا همچنان سرگردان بمانند (یونس/ ۱۱؛ مؤمنون/ ۷۴، یس/ ۷۵؛ نبا/ ۲۲-۲۷).

در کنار اشارات صریح قرآن به زمینه‌های طغیان و طاغوت، برخی از عوامل و زمینه‌ها به واسطه تفسیر آیات مطرح شده‌اند. در آیه ۵۱ سوره مائده، خداوند مسلمانان را از دوستی با یهود و نصارا برحذر می‌دارد. برخی مفسرین بر این باورند که دوستی با یهود و نصارا بدان جهت نادرست است که سبب سلطه طاغوت می‌شود. از این منظر، اتخاذ چنین ولایتی، وحدت ایمانی را دچار حوادث متضاد می‌گرداند چرا که جواذب دنیایی و فریبنده کافران در نفوس مؤمنان تأثیر گذاشته و آن‌ها را به تدریج از حوزه جاذبه و ولایت خدا خارج می‌کند و لذا امت اسلامی مغلوب تضادهای داخلی می‌گردد که نتیجه آن سلطه و استبداد طاغوت است (طالقانی، ۱۳۶۲: ۵/ ۷۶).





ایجاد انحراف در دین که منتج به اختلاف می‌شود نیز از عوامل بسترساز سلطه طاغوت دانسته شده است. در توضیح این مبحث، برخی مفسرین بیان داشته‌اند پس از آنکه رسالت پیامبران در میان عموم مردم، نیروی جاذب و محرکی پدید آورد، دینداران و دین‌سازان حرفه‌ای آشکار می‌شوند که کتاب و شریعت را بر طبق امیال و هواهای خود و عامه مردم توجیه می‌نمایند که این امر سبب افول آیین توحیدی شده و اوهام و سنن ملی و نژادی جای آن را می‌گیرد. بنا بر این، حاکمیت کتاب و شریعت محدود می‌گردد و زمینه برای بروز و سلطه طاغوت فراهم می‌شود (طالقانی، ۱۳۶۲: ۲: ۱۱۲).

در نهایت، آنچه که مسیر طغات در اجتماع را تکمیل می‌کند ظلم‌پذیری مردم (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۱/ ۲۱۶) و ضعف طبقه ضعیف است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰/ ۱۱۴). بر این اساس، ظلم‌پذیری مردم و عدم مقاومت در برابر ستم، عامل اجتماعی سلطه طاغوت است و اگر مسلمانان آمادگی کافی برای دفاع از حقوق خود داشته باشند کسی نمی‌تواند به آنها ستم کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲/ ۳۷۷).

مفسرین همچنین به موضوعاتی نظیر رها کردن و عدم سرسپردگی به ولایت و رهبری الهی (طالقانی، ۱۳۶۲: ۲/ ۲۰۹؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۶/ ۲۱۵)، گناه و معصیت (طیب، اطیب البیان، ج ۱۱، ص ۴۹۰)، و تحصیل مال حرام و اسراف و تبذیر (طیب، ۱۳۷۸: ۹/ ۷۴)، به عنوان عوامل ظهور و بروز سلطه طاغوت اشاره داشته‌اند.

۴- حکومت الله و حکومت طاغوت

ولایت و حکومت طاغوت ولایتی مذموم است و قرآن به مؤمنین نسبت به پذیرش چنین ولایتی هشدار می‌دهد: قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِّنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَ غَضِبَ عَلَيْهِ وَ جَعَلَ مِنْهُمْ الْفِرْدَةَ وَ الْخُنَازِيرَ وَ عَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَ اضْلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ (مائده/ ۶۰) در تفسیر، ولایت و حکومت طاغوت، عارضی دانسته شده (طالقانی، ۱۳۶۲: ۲/ ۲۱۰) چرا که طبق بیانات قرآن، حکومت و ولایت الهی است که

اصالت دارد. در قرآن، ولایت به معنای رهبری و سرپرستی، مخصوص خداوند است و خداوند این قسم را تنها برای پیامبران و ائمه و جانشینان آنها جعل کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۱/ ۲۲۶). خداوند، هم ولی تکوینی است و هم صاحب ولایت تشریحی. (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۶/ ۱۱-۱۲) در آیاتی از قرآن کریم آمده است که هیچ سرپرست و شفاعت کننده‌ای برای شما جز خداوند نیست (سجده/ ۴) و ولی فقط خداوند است. (شوری/ ۹) او، بهترین مولا است (انفال/ ۴۰) و با برخورداری از ولایت او، به غیر او نیازی نیست. (نساء/ ۴۵) اما خداوند تنها ولی ایمان آورندگان (محمد/ ۱۱)، مؤمنین (آل عمران/ ۶۸) و متقین است (جاثیه/ ۱۹) و کافران (محمد/ ۱۱) و ظالمان (شوری/ ۸) در دنیا و آخرت، از ولایت خداوند بی‌بهره‌اند. خداوند ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند و به واسطه این ولایت و رهبری، از ظلمت‌ها به سوی نور خارج می‌شوند. (بقره/ ۲۵۷؛ مائده/ ۱۶؛ احزاب/ ۴۳؛ حدید/ ۹؛ طلاق/ ۱۱) نور در این آیات به وحی الهی، تعالیم انبیاء جهت کسب سعادت دنیوی و اخروی و همچنین ایمان و هدایت تفسیر شده است و در مقابل، ظلمت، به کفر، شرک، جهل، ظلم، باطل و کل افکار، اعمال و رفتاری

که تاریکی عقل، قلب و روح را در پی داشته باشد تعبیر شده است. (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱/ ۱۳۷۷) است‌پژوهی ۱۴۱: فضل الله، ۱۴۱۹: ۵/ ۵۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲/ ۲۸۵) در روایتی از امام صادق (ع) نقل است که مراد از نور، آل محمد(ص)، و مراد از ظلمات، دشمنان ایشان هستند. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/ ۱۳۹؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۱/ ۵۲۵)

در مقابل ولایت و حکومت الهی، حکومت طاغوت قرار دارد. طبق آیه ۲۵۷ سوره بقره، طاغوت‌ها اولیاء کفارند و کفار را از نور، به سوی ظلمت‌ها بیرون می‌برند. (بقره/ ۲۵۷) از آیاتی که حکومت فرعون را توصیف می‌نمایند می‌توان ویژگی‌های طاغوت سیاسی را برشمرد. فرعون مصداق بارز طاغوت سیاسی در قرآن است چرا که از سویی فرمانروا و حاکم سیاسی مصر بود و از سوی دیگر، در قرآن بیان شده که فرستادن حضرت موسی(ع) به سوی حاکم مصر به سبب طغیان فرعون بوده است (طه/ ۲۴، ۴۳؛





نازعات/ ۱۷). منطق فرعونی منطق تمام طغات (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۰/ ۲۱۵) و اسلوب او، طریق اکثر فراغه گذشته و حال شمرده شده است (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۵/ ۱۳۴) و به تعبیری حکومت‌های طاغوتی امروزی را امتداد حکومت او دانسته‌اند (مدرسی، ۱۴۱۹: ۹/ ۳۲۲). در کتب روایی و حدیثی مسلمین نیز از لفظ فراغه برای حاکمان ستمگر استفاده شده است. (سید بن طاووس، ۱۴۱۴: ۳/ ۲۶۰) مواضع قرآن پیرامون فرعون به عنوان جباری مستکبر (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۳/ ۲۴۷) با نظام دیکتاتوری مطلق (مدرسی، ۱۴۱۹: ۷/ ۱۹۱) حائز اهمیت است زیرا بین فرعون و حاکمی که در عمل و تصرفاتش شبیه او باشد، تفاوتی نیست. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۸/ ۹۲) در قرآن کریم، واژه فرعون ۶۶ بار تکرار شده است. طبق آیات قرآن، فرعون و اطرافیانش، در مقابل موسی و آیاتش استکبار ورزیده و قومی مجرم (یونس/ ۷۵؛ مؤمنون/ ۴۶) و فاسق بودند. (نمل/ ۱۲؛ قصص/ ۳۸) فرعون، برتری جو و اسرافکار بود (یونس/ ۸۳؛ دخان/ ۳۱) و نه تنها قوم خود را هدایت نمود (طه/ ۷۹) بلکه با استفاده از زر و زیور، مردم را از راه خدا گمراه نمود. (یونس/ ۸۸) فرعون در زمین برتری‌جویی کرد و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود؛ (قصص/ ۴) گروهی را به ضعف و ناتوانی کشاند، پسرانشان را سر برید و زنانشان را [برای کنیزی و خدمت] زنده نگه داشت. (بقره/ ۴۹؛ اعراف/ ۱۲۷، ۱۴۱؛ ابراهیم/ ۶) فرعون و اطرافیانش به آیات خدا کفر ورزیده (اعراف/ ۱۰۳، انفال/ ۵۲) و آنان را دروغ می‌شماردند. (آل عمران/ ۱۱۱، انفال/ ۵۴) فرعون قدرتمند و شکنجه‌گر بود (فجر/ ۱۰) و مرتکب گناهان بزرگ شد. (حاقه/ ۹) او صاحب قدرتی بود که پیامبر خدا را تکذیب کرد (ص/ ۱۲) و حضرت موسی را ساحری کذاب خواند (غافر/ ۲۴) و به گفته قرآن یقیناً از مفسدان بود (قصص/ ۴).

با توجه به آیات مطرح شده، می‌توان ویژگی‌های حکومت طاغوت را اینگونه بیان نمود: خودمحوری، (زخرف/ ۵۱) ایجاد تفرقه بین مردم (قصص/ ۴) و استخفاف و تحقیر مردم و پست شمردن دیگران به خاطر لباس و ظاهری ساده، رفتاری فرعون‌ی و از ویژگی‌های طاغوت است (زخرف/ ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴). در حکومت طاغوت، حتی ایمان به

خداوند می‌بایست با اجازه حاکم باشد و حرکت‌های حق طلبانه، نیرنگ و توطئه انگاشته می‌شود. (اعراف/ ۱۲۳؛ طه/ ۷۱؛ شعراء/ ۴۹) حکومت طاغوتی، مصلحان را مفسد معرفی می‌کند (غافر/ ۲۶) و خود را هدایت‌گر مردم به راه درست و صلاح جامعه نشان می‌دهد (غافر/ ۲۹) و این در حالی است که خود عامل فساد در جامعه است (فجر/ ۱۱، ۱۲۱)؛ فسادی که شامل هر گونه ظلم و ستم و تجاوز و هوسرانی و عیاشی می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۶/ ۴۵۶) طاغوت‌ها مصلحان را متهم به ریاست طلبی کرده و از پذیرش حق سرباز می‌زنند (یونس/ ۷۸). طاغوت‌ها، برای جلوگیری از نفوذ اندیشه‌های الهی، پیشتازان را تهدید، شکنجه و به قتل می‌رسانند (اعراف/ ۱۲۴؛ طه/ ۷۱؛ شعراء/ ۲۹) و مردم را نیز مورد آزار و شکنجه قرار می‌دهند. (بقره/ ۴۹؛ اعراف/ ۱۴۱) طاغوت‌ها و ستمگران، از عالمان و متخصصان مخالف حق حمایت می‌کنند و برای سرکوبی حق و مردان حق، سرمایه‌گذاری می‌کنند (اعراف/ ۱۱۱-۱۱۴). طاغوت‌ها در زمان درماندگی، با سوء استفاده از عواطف و حربه‌ی وطن‌دوستی، احساسات مردم را تحریک کرده و مصلحان را عناصری متجاوز و مخالف با آیین ملی معرفی می‌کنند (طه/ ۶۳). طاغوت‌ها

سرگردانند (اعراف/ ۱۸۶) و در مواجهه با حق و مردان حق، دچار سردرگمی و یست‌پروبی

تصمیم‌های متضاد می‌شوند؛ لذا فرعون گاهی تصمیم به قتل موسی می‌گیرد (غافر/ ۲۶) و گاهی او را آزاد می‌گذارد تا آنجا که مورد اعتراض اطرافیان خود قرار می‌گیرد. (اعراف/ ۱۲۷؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۴/ ۲۴۱) در آیه ۷۶ سوره نساء آمده است که «کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می‌کنند و آن‌ها که کافرند، در راه طاغوت؛ پس شما با یاران شیطان، پیکار کنید زیرا که نقشه شیطان، ضعیف است». در تفسیر این آیه بیان شده است که طاغوت و قدرت‌های طغیان‌گر و ظالم، هر چند به ظاهر بزرگ و قوی جلوه می‌کنند،



اما از درون، زبون و ناتوانند و از ظاهر مجهز و آراسته آنها نباید هراسید، زیرا درون آنها

خالی است و نقشه‌های آن‌ها از آنجا که متکی به نیروی لایزال الهی نبوده و مبتنی بر ۱۸۷ نیروهای شیطانی است همانند قدرت‌هایشان سست و ضعیف است. (مکارم شیرازی،

۱۳۷۴: ۱۳/۴) طبق تفسیر، در این آیه همچنین ارتباط کامل طاغوت با شیطان بیان شده که چگونه طاغوت از نیروهای مختلف اهریمنی مدد می‌گیرد، تا آنجا که می‌گوید یاران طاغوت همان یاران شیطانند. این بیان سبب شده است که برخی مفسرین روش طاغوت را همان نقشه‌های شیطانی بدانند که از اساس ضعیف است (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۴/۴۲۱؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۷: ۳۵۵).

۵- عاقبت طاغوت

طبق بیانات قرآن کریم، طغیانگری، غضب خداوند (طه/ ۸۱) و گرفتار شدن به عذاب دنیا و آخرت را در پی دارد. (قلم/ ۳۱-۳۳) آیات متعددی در قرآن به عذاب‌های دنیوی اشاره دارند که بر طغیان‌گران و طاغوتیان نازل شده است. در آیه ۵۸ سوره قصص خداوند بیان می‌دارد: وَ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرِيْبَةٍ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا فَبَلَكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيْلًا وَ كُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِيْنَ. مصادیق این آیه در قرآن، قوم حضرت نوح(ع) و اقوام عاد و ثمود می‌باشند که با طغیان‌گری، هلاکت خویش را رقم زدند. (نجم/ ۵۰، ۵۱، ۵۳) خداوند قوم نوح را سرکش‌تر و طاغی‌تر از عاد و ثمود می‌خواند (نجم/ ۵۲) چرا که قوم حضرت نوح(ع) پیامبران را تکذیب نموده (شعراء/ ۱۰۵) و به حضرت نوح(ع) دشنام داده و وی را دیوانه خواندند. (قمر/ ۹) خداوند با عذاب الهی آنان را غرق نمود تا عبرتی برای مردم شوند. (فرقان/ ۳۷) قوم عاد نیز آیات پروردگار را انکار کردند، پیامبران را تکذیب کرده و به فرمانشان وقعی نهند و به پیروی از هر جبار و کینه‌توزی گردن نهادند. (هود/ ۵۹؛ شعراء/ ۱۲۳) آنان به ناحق بر روی زمین گردنکشی کردند و به وسیله باد عقیم (ذاریات/ ۴۱) یا باد صُرَّصُر (حاقه/ ۶) به هلاکت رسیدند. طغیان قوم ثمود هم هلاکت آنان با عذابی سرکش را در پی داشت. (حاقه/ ۵) در تفسیر آمده است که عاقبت طغات مستکبر، همانند قوم ثمود است (مدرسی، ۱۴۱۹: ۳/ ۳۶۲) طبق بیانات قرآن، طغیانگری قوم ثمود، عامل تکذیب معجزه حضرت صالح(ع) گردید.



(شمس/ ۹-۱۴) آنان از فرمان پروردگارشان سرباز زدند و چنان صاعقه‌ای آنان را فرا گرفت که تنها نظاره‌گر آن بودند و قدرت دفاع از خود نداشتند. (ذاریات/ ۴۳-۴۴) یکی دیگر از طواغیتی که بر اثر طغیان به هلاکت رسید، فرعون است. (ص/ ۱۲؛ ق/ ۱۳؛ بروج/ ۱۸) فرعون به همراه خاندانش، ابتدا به قحط و نقصان محصول مبتلا شدند (اعراف/ ۱۳۰) اما از آنجا که پند نگرفتند و اصلاحی در اعمالشان پدیدار نشد، به کیفر گناهانشان (انفال/ ۵۴) عذابی ناگوار آنان را در میان گرفت. (غافر/ ۴۵) دریا، فرعون و آتش را در خود فرو گرفت (طه/ ۷۸) و همگی در مقابل دیدگان حضرت موسی(ع) و یارانش غرق شدند. (بقره/ ۵۰) همچنین خداوند تمامی کاخ‌ها و هرچه را که فرعون و قومش ساخته و برافراشته بودند را ویران نمود. (اعراف/ ۱۳۷) طبق بیان مفسرین، آیات فوق نشان از آن دارند که سقوط و زوال حکومت طغات و ظالمین از سنن بزرگ و قطعی الهی است (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۷/ ۲۹۵؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۹/ ۳۵۰) و خداوند ابا دارد که سلطه جائرین ادامه یابد (مدرسی، ۱۴۱۹: ۹/ ۲۵۸) بر اساس این نگرش، اراده الهی، در صورت پافشاری طغات بر عناد و گمراهی پس از اتمام حجت، بر هلاکت ایشان است (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۳/ ۹۲).

علاوه بر عذاب‌های مذکور، قرآن بیان می‌دارد که طغیان‌گری، سرگردانی و تحیر یاست‌پروبی شدید در راهیابی به حق را در پی دارد (بقره/ ۱۵؛ انعام/ ۱۰۹-۱۱۰؛ اعراف/ ۱۸۶؛ یونس/ ۱۱؛ مؤمنون/ ۷۵). خداوند محرومیت از هدایت (یونس/ ۱۱؛ ذاریات/ ۵۳) و نصرت الهی (نحل/ ۳۶-۳۷) را به طاغیان وعده می‌دهد و از این رو است که وجود روح طغیان‌گری، از عوامل تأثیرپذیری از جریان شرک (صافات/ ۲۲، ۲۳، ۳۰، ۳۲) و گرفتار شدن به ضلالت است. (نحل/ ۳۶-۳۷) تصریح قرآن است که خداوند ظالمین را رستگار نمی‌کند (قصص/ ۳۷) و در این آیه روی صحبت با فرعون (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/ ۳۶) و تمامی فراعنه مستکبر می‌باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶/ ۸۲) در قرآن آمده است که اهل کتاب نیز اگر از طاغوت پیروی کنند دچار غضب و لعنت پروردگار شده و بدترین جایگاه و منزلت ۱۸۹ را کسب می‌کنند. (مائده/ ۶۰) در برخی تفاسیر بیان شده است حذف علماء از جامعه و

ریشه‌ها، عوامل شکل‌گیری و عاقبت طاغوت



تسلط جهال بر مردم، نتیجه رواج یافتن طغیان و سرکشی است. (طیب، ۱۳۷۸: ۷/ ۳۵۱). همچنین سختی جان دادن نیز از عواقب دنیوی طغیان ذکر شده است (طیب، ۱۳۷۸: ۶/ ۱۴۲).

عذاب اخروی طغیان گری در برابر حق و پیروی از طاغوت، محرومیت از بهشت (فرقان/ ۲۱، ۲۲) و جاودانگی در جهنم است (بقره/ ۲۵۷). آیات متعددی در قرآن، به فرجام بد طاغوتی گری و طاغوت گرایی یعنی جهنمی شدن اشاره دارد. (صافات/ ۳۰-۳۱؛ ص/ ۵۵-۵۷؛ نازعات/ ۳۷-۳۹) طبق آیات قرآن، عذاب طاغیان، عذابی طولانی، همراه با بینوایی و محرومیت از خواسته‌ها است. (نبأ/ ۲۲-۲۳) آنان حتی از چشیدن طعم آب برای تخفیف حرارتشان محرومند و آب داغ و مایعی از چرک و خون، آب و غذای آنان در دوزخ خواهد بود (ص/ ۵۵-۵۷؛ نبأ/ ۲۲-۲۵).

۶- مبارزه با طاغوت

اقتضای پذیرش ولایت و سرپرستی خدا، مواجهه و برخورد با حکومت‌های ظالم و طاغوتی دانسته شده است. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۲/ ۲۹۵) مبارزه با طاغوت و رها کردن انسان از قید بندگی دیگران فلسفه بعثت و اولین وظیفه انبیاء خوانده شده است (قرائی، ۱۳۸۳: ۴/ ۱۳۴؛ ۵/ ۲۴۷؛ ۳۷۹). طبق آیات قرآن، ابراهیم و موسی و عیسی، علیه حکام ستمگر خود به پا خاستند و آنان را تقبیح کرده و مردم را در پیروی از آنها بر حذر داشتند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳/ ۱۴۷). برخی مفسرین، در ذیل عبارت «فَمَنْ يَكْفُرُ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ» (بقره/ ۲۵۶) بیان داشته‌اند که «يَكْفُرُ بِالطَّاغُوتِ» از آن روی بر «يُؤْمِنُ بِاللَّهِ» تقدم یافته است که مقدمه ایمان به پروردگار، کفر ورزیدن به طاغوت است و مادامی که اندیشه از اوهام کفر آمیز و سلطه طاغوت پاک نشود، ایمان به خدا در آن تجلی نمی‌یابد (طالقانی، ۱۳۶۲: ۲/ ۲۰۷؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۲/ ۳۰۹).

در مبارزه با طاغوت، اولین قدم توکل به خدا است. (قرائی، ۱۳۸۴: ۵/ ۲۵۸) حضرت



موسی(ع) هنگامی که مأموریت یافت تا به سوی فرعون رود، در ابتدا به خداوند توکل نموده و از او یاری طلبید (طه/ ۲۴-۳۵). گام بعدی، متذکر ساختن طاغوت با زبانی نرم است. خداوند به حضرت موسی(ع) و هارون فرمان می‌دهد که «به سوی فرعون بروید که طغیان کرده است اما به نرمی با او سخن بگویید شاید متذکر شود، یا بترسد.» (طه/ ۴۳، ۴۴) پیامبر اکرم(ص) موظف به عدم مجادله با طاغیان بود (ذاریات، ۵۳-۵۵) چرا که استدلال و جدال، تنها زیادتیر شدن طغیان و کفر در طغیان‌گران را در پی دارد (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۸: ۳۸۶). علاوه بر این، در راه مبارزه با طاغوت، آگاه نمودن مردم از تبعات حکومت طاغوت دارای اهمیت است چنانچه حضرت موسی(ع)، بنی اسرائیل را بر قیام و شورش علیه فرعون بر می‌انگیزد و آنان را به استمداد و استعانت از خدای تعالی در رسیدن به هدف که همان رهایی از اسارت و بندگی فرعون است توصیه می‌نماید (اعراف/ ۱۲۸؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۸/ ۲۲۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶/ ۳۱۰-۳۱۱).

در برخی تفاسیر به جهاد به عنوان یکی از شیوه‌های مبارزه با طاغوت و از بین بردن نظام‌های جبار اشاره شده است. (قرائتی، ۱۳۸۴: ۱/ ۴۱۳؛ ۲/ ۱۹۳) بر اساس این نگرش بیان

شده است که در مقابل حاکم طاغی مستکبر که می‌خواهد آزادی افراد را سلب کرده و **یاست‌پروبی** بر ایشان مسلط شود تا ایشان را بر اوامر و نواهی خود نرم کند، در شرایطی که قوای فردی اکتفا نمی‌کند، می‌بایست نصرت طلبید و در قالب تجمیع قوی (فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۰/ ۱۹۳)، متفق و مانند نفس واحد، به جنگ ظالم رفت (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۸/ ۶۴) خداوند در آیه ۱۲ سوره توبه به پیکار علیه پیشوایان کفر - البته تحت شرایطی نظیر پیمان شکنی از سوی آنان - فرمان داده است. هجرت از سرزمین تحت سیطره طاغوت نیز از دیگر راه‌های مبارزه دانسته شده است. طبق بیانات قرآن، کسانی که در سرزمین خود تحت فشار و مستضعف هستند اگر مهاجرت نکنند جایگاه آنان دوزخ خواهد بود (نساء/ ۹۷).



در تفسیر این آیه، برخی چنین گفته‌اند که بر ملل مستضعف که طاغیان طاغوتی با آنان ۱۹۱ به ظلم و استبداد رفتار می‌کنند و آزادیشان را سلب کرده‌اند واجب است که علیه

طاغیان بشورند و اگر نتوانند در سرزمین ستم به پیروزی رسند، باید به سرزمین دیگری که آزادی آنان را ضمانت می‌کند مهاجرت کنند. این مهاجران آزادی‌خواه به زودی نیرومند می‌شوند و برای رهایی سرزمین خود از یوغ طاغیان دست به کار خواهند شد (مدرسی، ۱۴۱۹: ۲/ ۱۶۰).

نتیجه‌گیری

بررسی طاغوت از آن روی دارای اهمیت است که طبق بیانات قرآن، از زمان پیدایش امت، طاغوت نیز پدیدار شده است و از آنجا که در آموزه‌های دینی، طغیانگری و یا سرسپردگی به طاغوت، غضب خداوند و گرفتار شدن به عذاب دنیا و آخرت را در پی دارد، شناخت بسترهای شکل‌گیری طاغوت و نحوه مواجهه و مبارزه با آن ضرورت داشته و اهمیت می‌یابد.

طاغوت، اصطلاحی دینی و قرآنی است که در لغت به هر چیزی که موجب تجاوز از حد شود، تعبیر شده است که از منظر قرآن این تجاوز می‌تواند در حوزه‌های فردی، جمعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی رخ نمایند. در تفاسیر، طاغوت را، چه یک فرد باشد، چه یک نظام مسلط، علاوه بر حکم‌کننده به حکم غیر خدا و پرچم‌دار ضلالت، به ظالم جبار، حاکم ظالم، سلاطین جور، زورگو و مستکبر ظالم اطلاق کرده‌اند. همچنین هر حکومتی که مشی اسلامی را در همه زمینه‌ها مراعات نکند و محتوای آن اسلامی نباشد حکومتی طاغوتی دانسته شده است.

در آیات قرآن و بیانات مفسرین، شکل‌گیری طاغوت متأثر از عوامل متفاوتی عنوان شده است: استکبار به معنای برتری‌جویی و بزرگی‌طلبی؛ پیروی از هواهای نفسانی؛ دنیاطلبی؛ ضلالت و گمراهی؛ دوستی با یهود و نصارا؛ ایجاد انحراف در دین؛ ظلم پذیری مردم؛ عدم سرسپردگی به ولایت و رهبری الهی؛ گناه و معصیت؛ تحصیل مال حرام و اسراف و تبذیر.



از دیدگاه قرآن، تنها، حکومت و ولایت الهی است که اصالت دارد و لذا ولایت و حکومت طاغوت ولایتی مذموم است. در قرآن، ولایت به معنای رهبری و سرپرستی، مخصوص خداوند است و خداوند این قسم را تنها برای پیامبران و ائمه و جانشینان آن‌ها جعل کرده است.

طبق بیانات قرآن، اولین قدم در مبارزه با طاغوت، توکل به خدا است؛ گام بعدی، متذکر ساختن طاغوت با زبانی نرم است؛ قدم بعدی آگاه نمودن مردم از تبعات حکومت طاغوت است. قرآن همچنین از جهاد و مهاجرت به عنوان دو رویکرد دیگر در زمان مواجهه با طاغوت اشاره دارد.

یاسات پژوهی

ریشه‌ها، عوامل شکل‌گیری و عاقبت طاغوت



منابع

۱. آل سعدی، عبدالرحمن بن ناصر. (۱۴۰۸ق). تیسیر الکریم الرحمن، بیروت: مکتبه النهضه العربیه.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷). النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، محقق: محمود محمد طناحی، ۳. طاهر احمد زاوی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بی تا). التحریر و التنویر، بی جا: بی نا.
۴. ابن عباد، اسماعیل. (بی تا). المحيط فی اللغه، محقق: آل یاسین، محمد حسن، بیروت: عالم الکتب.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۶. ابن هشام. (۱۳۸۳ق)، السیره النبویه. چاپ محمد محیی الدین عبدالحمید، قاهره: بی نا.
۷. ایزوتسو، توشیکو. (۲۰۰۲). مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن، انتشارات دانشگاه مک گیل، ملکه.
۸. بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۱). صحیح البخاری، بیروت: بی نا.
۱۰. جفری، آرتور. (۲۰۰۷). واژگان خارجی از قرآن، لیدن، بوستون.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۲). ادب فنای مقربان، قم: اسراء.
۱۲. جوهری. (۱۹۸۷). الصحاح، تحقیق: أحمد عبد الغفور العطار، بیروت: دار العلم للملایین .
۱۳. حجاج نیشابوری، مسلم. (۱۴۲۳ق). الجامع الصحیح، بیروت: بی نا.
۱۴. حسینی همدانی، سید محمد حسین. (۱۴۰۴ق). انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی.
۱۵. حقی بروسوی، اسماعیل. (بی تا). تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر.
۱۶. حکیمی، محمدرضا. (۱۳۸۸). الحیاه، قم: دلیل ما.
۱۷. حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۱۸. خطیب، عبدالکریم. (بی تا). التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت: دارالفکر العربیه.
۱۹. خمینی، روح الله. (۱۳۷۹). ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره).
۲۰. _____ (۱۳۷۸). صحیفه‌ی امام، تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام.



۲۱. دجانی، زاهیه راغب (۱۴۱۸ق). المفهوم القرآنی والتوراتی عن موسى عليه السلام و فرعون، مقارنه عقائديه، بيروت: دارالتقريب.
۲۲. راغب اصفهانی، حسين بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات في غريب القرآن، تحقيق: صفوان عدنان داودي، بيروت: دارالعلم الدار الشاميه.
۲۳. زبيدي (۱۴۱۴). تاج العروس، بيروت: دار الفكر.
۲۴. سيد ابن طاووس (۱۴۱۴). إقبال الأعمال، تحقيق: جواد القيومي الاصفهاني، مكتب الإعلام الإسلامي.
۲۵. سيد بن قطب (۱۴۱۲ق). في ظلال القرآن، بيروت- قاهره: دارالشروق.
۲۶. سيوطي، عبدالرحمان ابن ابي بكر (۱۹۸۸). المذهب فيما وقع في القرآن من المعرب، بيروت: سمير حسين حليبي.
۲۷. صفار قمي، محمد بن حسن (۱۳۶۲). بصائر الدرجات، تهران: چاپ حسن كوچه باغي.
۲۸. طالقاني، سيد محمود (۱۳۶۲). پرتوي از قرآن، تهران: شركت سهامی انتشار.
۲۹. طباطبائي، سيد محمد حسين (۱۴۱۷ق). الميزان في تفسير القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامي جامعهی مدرسين حوزه علميه قم.
۳۰. طبرسي، فضل بن حسن (۱۳۷۷). تفسير جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علميه قم.
۳۱. طريحي، فخر الدين (۱۳۷۵). مجمع البحرين، تحقيق سيد احمد حسيني، تهران: بي نا.
۳۲. طوسي (۱۳۶۳). استبصار، تحقيق وتعليق: السيد حسن الموسوي الخراسان، طهران: دار الكتب الإسلامية.
۳۳. طوسي، محمد بن حسن (بي تا). التبيان في تفسير القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربي.
۳۴. طيب، سيد عبد الحسين (۱۳۷۸). اطيب البيان في تفسير القرآن، تهران: انتشارات اسلام.
۳۵. عاصم شيباني، عمرو (۱۴۱۳ق). كتاب السنه، چاپ محمد ناصرالدين ألباني، بيروت: بي نا.
۳۶. عسكري، امام ابو محمد حسن بن علي (۱۴۰۹ق). التفسير المنسوب الى الامام العسكري، قم: مدرسه امام مهدي.
۳۷. عياشي، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). كتاب التفسير، تهران: چاپخانه علميه.

یاست پژوهی

ریشه ها، عوامل شکل گیری و عاقبت طائفت



۳۸. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). کتاب العین، قم: انتشارات هجرت.
۳۹. فضل الله، سید محمد حسین. (۱۴۱۹ق). تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک للطباعه و النشر.
۴۰. قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
۴۱. قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۷). تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.
۴۲. _____ (۱۳۷۱). قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۴۳. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۴۴. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷)، تفسیر قمی، قم: دار الکتب.
۴۵. کاشانی، فتح الله ابن شکرالله. (۱۳۸۱). قم: موسسه المعرف الاسلامیه.
۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳). اصول من الکافی، طهران: دار الکتب الإسلامیه، تصحیح و تعلیق : علی أكبر الغفاری.
۴۷. مدرسی، سید محمد تقی. (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین.
۴۸. مراغی، احمد بن مصطفی. (بی تا). تفسیر المراغی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴۹. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۵۰. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۴). امالی، بیروت: دار المفید للطباعه و النشر و التوزیع.
۵۱. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۵۲. نجفی خمینی، محمد جواد. (۱۳۹۸ق). تفسیر آسان، تهران: انتشارات اسلامیه.
۵۳. نووی، محیی الدین یحیی بن شرف. (۱۴۰۷ق) شرح صحیح مسلم، بیروت: بی تا.



یاست پروبی

ریشه‌ها، عوامل شکل‌گیری و عاقبت طغوت



۱۹۷

